

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.270250.1029

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری جمعیت روستایی: مطالعه موردی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان

مصطفی طالشی^۱، محمود گنجی‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۶

چکیده

در مباحث توسعه روستایی، انتظار می‌رود که اقدامات دولت در اعطای اعتبارات کشاورزی به تثبیت جمعیت روستایی بینجامد. در پژوهش کاربردی و کمی حاضر، نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری جمعیت روستایی در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان بررسی شد. روش‌شناسی پژوهش استقرایی و روش تحقیق به گونه توصیفی-تحلیلی با رویکردی تطبیقی بود. جامعه آماری شامل روستاهای ناحیه کاشان و حجم نمونه دربرگیرنده ۵۷۴ نفر بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی صورت گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که تفاوت میانگین‌ها بین دو گروه برخوردار و

۱- نویسنده مسئول و دانشیار، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (m_taleshi@pnu.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نابرخوردار از اعتبارات در چهار متغیر بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان به لحاظ آماری معنی‌دار است، اما رابطه این دو نوع متغیر مستقل (اعتبارات و متغیرهای چهارگانه) با متغیر وابسته مهاجرت معنی‌دار نیست. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطی ضعیف میان نگهداشت جمعیت و اعطای اعتبارات کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان حاکم است.

کلیدواژه‌ها: اعتبارات، جمعیت، کشاورزی، سکونتگاه‌های روستایی، کاشان (ناحیه).

مقدمه

کشاورزی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشورهاست و نقش آن در توسعه و ثبات اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی انکارناشدنی است (Ertiaei et al., 2011). با تمام تحولات صورت گرفته در اقتصاد روستایی جهان، هنوز هم کشاورزی را می‌توان نیروی رشد اقتصاد روستا و ستون فقرات پیکر اقتصاد روستایی دانست (GTZ, 2003; Pourtaheri et al., 2012; World Bank, 2007). بهبود تولید محصولات کشاورزی و شرایط زندگی جمعیت روستایی به گونه‌ای گسترده در گرو انتقال از کشاورزی سنتی به کشاورزی پیشرفته است (Nasibian and Khalaj, 2004). در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی، اعطای اعتبارات خرد نقش مهمی در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستاییان و ایجاد روحیه مشارکت و کار گروهی دارد (ESCAP, 1994). استفاده از اعتبارات خرد یک روش مداخله غیرمستقیم در توسعه است (Rokneddin Eftekhari et al., 2006; Roht, 1997). شواهد موجود حاکی از آن است که در ایران نیز بخش کشاورزی هنوز اهمیت غالب و عمده را در اقتصاد روستاها دارد (Amirteimouri and Khalilian, 2008; Statistical Center of Iran, 2010; World Bank, 2007). توسعه بخش کشاورزی و آینده آن دل‌مشغولی بسیاری از سیاست‌گذاران کشور و متخصصان توسعه به‌شمار می‌رود (Bahrami Mahneh et al., 2007)؛ و در سطوح برنامه ریزی کشور نیز سرمایه‌گذاری در

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

بخش کشاورزی و روستایی مورد توجه بوده است (Pourtaheri et al., 2012). ماهیت فعالیت‌های کشاورزی و کوچک‌مقیاس بودن تولید در بخش کشاورزی ایران تنگناهایی را بر تولیدکنندگان و فعالان این بخش تحمیل می‌کند که محدودیت‌های اعتباری و سرمایه در گردش از جمله این تنگناهاست (Rahimi Soureh and Mir, 2007). از یک‌سو، بر اساس شواهد موجود، بخش عمده کشاورزانی که وام کشاورزی دریافت می‌کنند، از آن در زمینه‌های غیر کشاورزی مانند تأمین نیازهای مصرفی و معیشتی، مرمت و احداث ساختمان، پرداخت بدهی‌های قبلی، و فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی استفاده می‌کنند (Amid, 2002). در حقیقت، نقدی بودن غالب وام‌ها سبب ایجاد قابلیت جابه‌جایی و تبدیل‌پذیری آنها می‌شود (Swinnen and Gow, 1999; Varmazyari et al., 2010)؛ و از سوی دیگر، از جمله معضلات جامعه روستایی کشور که به‌صراحت در برنامه‌های توسعه مشخص شده، تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی و عدم تثبیت جمعیت روستایی است (Saeedi et al., 2006). محدوده پژوهش حاضر ناحیه کاشان در شمال استان اصفهان را در بر می‌گیرد. از لحاظ تقسیمات سیاسی، این ناحیه شامل دو شهرستان «کاشان» و «آران و بیدگل» است. مقایسه جمعیت شهری و روستایی از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ نشان از افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی دارد. تغییرات جمعیتی ناحیه کاشان در مقاطع مختلف زمانی به تفکیک مناطق شهری و روستایی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- جمعیت روستایی ناحیه کاشان طی سال‌های ۱۳۴۵-۹۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	عنوان
جمعیت روستایی ناحیه	۷۲۴۳۹	۸۹۹۲۷	۱۰۲۱۹۶	۷۳۳۹۵	۴۳۵۹۰	۴۵۷۳۷	
کل جمعیت ناحیه	۱۵۴۱۲۶	۲۰۶۷۲۹	۲۸۷۰۷۰	۳۳۵۷۸۵	۳۹۳۱۲۸	۴۶۲۰۰۲	
درصد جمعیت روستایی ناحیه	۴۷	۴۳/۵	۳۵/۶	۲۱/۸	۱۱	۱۱	

مأخذ: مرکز آمار ایران (Statistical Center of Iran, 1966-2016)

بر اساس جدول ۱، در سال ۱۳۴۵، حدود ۴۷ درصد جمعیت ناحیه کاشان در مناطق روستایی ساکن بودند. میزان روستائینی در این ناحیه در سال ۱۳۹۵ حدود یازده درصد بوده، که مبین کاهش ۳۶ درصدی جمعیت روستایی نسبت به سال ۱۳۴۵ است. با توجه به کاهش جمعیت روستائین ناحیه کاشان در طول چند دهه اخیر، از آنجا که طی سال‌های اخیر، مبالغ زیادی در قالب اعتبارات کشاورزی در اختیار روستائیان ناحیه قرار گرفته است، انتظار می‌رود که اقدامات دولت در اعطای اعتبارات کشاورزی به تثبیت جمعیت روستایی ناحیه منجر شود. از این‌رو، ضرورت مطالعه نقش اعتبارات کشاورزی در توانمندی و رضایت روستائیان و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی ناحیه کاشان آشکار می‌شود. بر این اساس، در مطالعه حاضر، پرسش‌هایی از این دست مطرح بوده است: پرداخت اعتبارات کشاورزی تا چه میزان بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال را برای روستائیان ناحیه کاشان به همراه داشته است؟ پرداخت اعتبارات کشاورزی تا چه میزان باعث افزایش تمایل به ماندگاری در روستاهای ناحیه کاشان شده است؟ با توجه به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش حاضر نیز بدین شرح مطرح می‌شوند:

- بین اعتبارات کشاورزی، بهبود کشاورزی و ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه کاشان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین اعتبارات کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی و ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه کاشان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین اعتبارات کشاورزی، بهبود وضعیت اقتصادی و ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه کاشان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین اعتبارات کشاورزی، افزایش فرصت‌های اشتغال روستائیان و ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه کاشان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه به اعتبارات خرد به‌مثابه یک پیش‌ران در راستای توانمندسازی کشاورزان نگریسته‌اند. کشورهایی مانند بنین، هند، کنیا، اندونزی، توگو و تایلند، با تشکیل اتحادیه‌های پس‌انداز روستایی، اقدام به توسعه کشاورزی در مناطق روستایی کردند (Robinson, 2001). این اتحادیه‌ها با سامان‌دهی سرمایه‌های اندک روستاییان، این سرمایه‌ها را به‌سوی فعالیت‌های محقق‌کننده توسعه کشاورزی و اشتغال‌زایی مولد هدایت کردند (Robinson and Juan, 2001).

در بنگلادش، گرامین بانگ با همکاری سازمان غیردولتی کمیته توسعه روستایی، اعتبارات کشاورزی خود را در قالب برنامه‌های مشارکتی چهارساله ارائه می‌کند که ۳۲ درصد از اعتبارات خرد این کشور را شامل می‌شود (Khander, 1998). فائو و کارگزاری همکاری‌های فنی آلمان راهبردی مناسب را برای افزایش دسترسی روستاییان به خدمات مالی و اعتباری به‌منظور توسعه فعالیت‌های کشاورزی پیشنهاد داده‌اند. در این رویکرد، که مجموعه‌ای پویا برای فعالیت‌های بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه فراهم ساخته، بر توسعه نظام مالی و اعتباری روستایی تأکید شده است (FAO/GTZ, 1998b)؛ همچنین، به نقش مشابه منابع اعتباری مؤسسات رسمی و منابع واسطه‌ای غیررسمی و نیز ایجاد ارتباط منطقی بین این دو منبع اعتباری با راهبرد اعطای اعتبارات خرد کشاورزی از طریق شیوه پرداخت گروهی توجه شده است (FAO/GTZ, 1998a).

بانک جهانی نیز هدف از ارائه اعتبارات خرد به کشاورزان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال و درآمد، پایداری بوم‌شناختی و رفاه روستاییان می‌داند (ESCAP, 1996). تاکنون در زمینه نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری جمعیت روستایی کشور، مطالعات جامع صورت نگرفته است و بیشتر پژوهش‌های پیشین به‌صورت جنبی و حاشیه‌ای بدین موضوع پرداخته‌اند که در پی، پاره‌ای از آنها یادآوری می‌شوند.

کرمی (Karami, 2000)، با استفاده از مدل رگرسیون خودتنظیم درون‌زا، به بررسی تأثیر اعتبارات بر تولید پرداخت؛ بر پایه نتایج به‌دست آمده، اعتبارات اعطایی در بخش کشاورزی همواره روند افزایشی داشته و باعث توسعه ظرفیت‌های تولیدی این بخش شده است.

بختیاری و پاسبان (Bakhtiari and Pasban, 2004)، در مطالعه موردی بانک کشاورزی، نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی را بررسی کردند و بدین نتیجه رسیدند که در بلندمدت، رابطه بین اشتغال و ارزش افزوده و اشتغال و اعتبارات منفی و رابطه اشتغال و سرمایه‌گذاری مثبت بوده است. بر پایه نتایج مطالعه صدر (Sadr, 2003)، تسهیلات بانکی در تشکیل و انباشت سرمایه در بخش کشاورزی بسیار مؤثر است. نتایج مطالعه رشیدی و منصور (Rashidi and Mansouri, 2005)، در قالب طرح پژوهشی در روستاهای مناطق محروم استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان، حاکی از آن بود که از نظر نحوه مصرف وام توسط روستاییان، ۷۴ درصد وام‌های دریافتی از بانک کشاورزی صرف امور تولیدی و کشاورزی شده و بقیه برای خرید مسکن و سایر نیازهای زندگی مصرف شده است. بر پایه نتایج پژوهش افراشته (Afrashte, 2003)، ۷۶ درصد وام‌های دریافتی کشاورزی جاری در مواردی غیر از هدف اولیه آن مصرف شده است. کریم کشته و همکاران (Karim-Koshteh et al., 2004)، طی پژوهشی در استان سیستان و بلوچستان، دریافتند که زارعان اعتبارات دریافتی از منابع رسمی را بیشتر در مسیر تولید به کار گرفته‌اند، به گونه‌ای که حدود ۶۴ درصد نمونه مورد بررسی از وام خود در زمینه تولیدات کشاورزی استفاده کرده‌اند؛ ولی زارعی که از منابع غیررسمی وام گرفته بودند، بیشتر مبالغ دریافتی را صرف نیازهای روزمره و سایر نیازهای خود کردند.

مبانی نظری

زندگی فرآیندی چندبعدی، پویا، مداوم و پیچیده از فعالیت‌های زیستی، تولیدی، توزیعی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، فناوری و اقتصادی است. توسعه روستایی، در قالب یک مفهوم و ایده، نوعی عمران و بهبود سطح زندگی روستاییان است، که توسعه بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن، توسعه صنایع روستایی، توسعه و تجهیز منابع انسانی و تلاش مستمر در راستای بهسازی فضای اجتماعی و اقتصادی زندگی روستایی را شامل می‌شود. راهبرد جدید توسعه روستایی با عنایت به چالش‌های جهانی، سیاست‌های منطقه‌ای و تجارب چهار

دهه برنامه‌ریزی روستایی در کشورهای در حال توسعه با رسالت کاهش فقر روستایی و اهداف راهبردی حمایت از فقرا و نهادهای روستایی، تسهیل فرآیند رشد اقتصادی روستاها از طریق حذف موانع، دسترسی بهینه به منابع طبیعی و دارایی‌های تولیدی و نیز کاهش آسیب‌پذیری فقرا در دو بعد منطقه‌ای و ملی به اجرا گذاشته شده است (Taleb and Najafi Asl, 2007). بنابراین، باید توسعه روستایی با هدف بهبود کیفیت زندگی، به سامان‌دهی تولید، اشتغال، آموزش، مسکن، بهداشت، اوقات فراغت و تحولات مستمر آنها بر اساس نظر و مشارکت خود روستاییان و بر مبنای ارزش‌ها، اولویت‌ها و توانمندی‌هایشان پردازد. رویکردهای توسعه، از گذشته تا به امروز، چه رویکردهایی که تحقق توسعه را مبتنی بر رشد صرف و تأکید بر ظرفیت‌های بیرونی می‌دانند و چه رویکردهایی که نگاه به درون، تأکید بر برابری و عدالت و برنامه‌ریزی متمرکز را اساس توسعه می‌دانند، هیچ کدام نمی‌توانند جامعه روستایی را به سرمنزل مقصود برسانند. سودآوری، امنیت، مشارکت، نوآوری، پایداری، ارزش‌مداری و احساس مالکیت مفاهیم اساسی پارادایمی است که در آن، توسعه مبتنی بر ویژگی‌های ماهوی و عرضی روستا با بهره‌گیری از فرصت‌های برون‌سیستی آن است (Douglas, 2003). در چارچوب‌شناسی نظام اعتباری در رویکردهای پایه اقتصادی، همواره نظام اعتباری از مباحث اساسی اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصاد و دیدگاه‌های توسعه، محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده در راستای توزیع عادلانه ثروت و درآمد کلید حل معما به‌شمار می‌رود (Taleb and Anbari, 2009). در رویکردهای توسعه روستایی، نگاه اقتصاددانان همواره به نقش اعتبارات و سرمایه است که آن را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق «ایده به محصول» به‌شمار آورد. همچنین، اعطای اعتبار به خانوارهای کم‌درآمد، کارآفرینان نوپا و افراد مایل به ایجاد کسب‌وکارهای کوچک همواره با مخاطره زیاد در بازپرداخت وام‌ها مواجه است. بنابراین، معمولاً دولت‌ها می‌کوشند که از طریق سیاست‌های حمایتی، این مسئله را حل کنند (Ghanbari and Nouri, 2017). یکی از راهبردهایی که در دهه اخیر، برای از بین بردن فقر و کاهش بیکاری در کشورهای مختلف، در کانون توجه

صاحب نظران و سیاست گذران قرار گرفته، اعتبارات خرد است (Negin, 2005). از سوی دیگر، رویکرد اعتبارات خرد در توسعه روستایی منجر به رویکرد بنیادی سازمان ملل شد که سال ۲۰۰۵ را «سال اعتبارات خرد» نام گذاری کرد (Kharqani and Faliyat, 2011). اعتبارات خرد با برخورداری از ویژگی های گروهی بودن، قابلیت انعطاف، مردمی بودن و تکیه بر عدالت اجتماعی، پایداری، سودآوری، ایجاد امنیت و فقرستیزی یکی از راهبردهای قدرتمند توانمندسازی جوامع محلی در چارچوب پارادایم جدید (توسعه پایدار روستایی) به شمار می رود. داگلاس (Douglas, 2003) اعتبارات خرد را جزئی از چرخه تأمین مالی توسعه روستایی می داند که تا حدودی با اعتبارات روستایی و اعتبارات کشاورزی اشتراکاتی دارد؛ و در واقع، ابزاری برای دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف به ویژه اقتصاد روستاست و زمینه ساز پس انداز، یکپارچه سازی بازارهای روستایی و افزایش قدرت کشاورزان به شمار می رود. اعتبارات خرد از طریق نهادهای مالی و اعتباری همچون بانک ها، اتحادیه های اعتباری محلی، تعاونی ها و ... تأمین و پرداخت می شود.

بهره گیری از اعتبارات خرد در قالب یک روش مداخله در توسعه به ویژه توسعه روستایی مطرح شده که برآمده از تلاش اندیشمندان با جهان بینی نئولبرالیستی است. این شیوه می کوشد که با گسترش بازارهای جدید و ارتقای فرهنگ مدیریتی، زمینه را برای مداخلات کارآمد دولت فراهم سازد. ویژگی عمده این مداخلات تأمین سریع و آسان اعتبارات، عدم توجه به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری، بهبود شرایط زندگی، برابری دسترسی و تأمین رفاه روستاییان است (Roht, 1997). اهمیت اعتبارات خرد را می توان از دیدگاه برنامه ریزان و سیاستمداران، در نکاتی بدین شرح برشمرد (Khander, 1998):

- ۱- عنصری کلیدی در راهبردهای کاهش فقر،
- ۲- راهی برای افزایش مشارکت و رهایی از دام واسطه ها،
- ۳- روشی کارآمد برای توانمندسازی، به ویژه توانمندسازی زنان،
- ۴- موجب یکپارچه سازی بازارهای روستایی و افزایش قدرت کشاورزان، و
- ۵- زمینه ساز پس انداز و توسعه (Seibel, 2001).

بروکار راه حل زیر را برای حل مشکلات اعتباری کشاورزان خرده‌پا بیان می‌کند:

الف) اعطای اعتبارات به صورت فردی، و

ب) قرض‌دهی گروهی.

اعتبارات خرد در دو زمینه تولیدی (انتخاب گونه‌های پرمحصول، نوسازی، تهیه نهاده‌ها، توسعه نهادی و ...) و امور مصرفی (بازپرداخت وام‌ها، امور رفاهی و ...) پرداخت می‌شود و در فرآیند توسعه اقتصادی، به صورت یک شبکه ایمنی و سرمایه‌گذاری مطرح است (FAO, 2002 به نقل از: Rokneddin Eftekhari et al., 2006).

ارائه اعتبارات خرد، با بسیج منابع و دانش در قالب ابزارهای راهبردی و مکمل، از طریق ائتلاف پویای روستاییان، دولت، مؤسسات توسعه و اعتبار، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی اجرا می‌شود، که انگیزه‌های آن را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

الف- تحرک اجتماعی، بالا بردن آگاهی‌ها، آموزش و توانمندسازی به فقرا،

ب- افزایش اعتماد به نفس فقرا، ظرفیت‌سازی محلی و ...،

ج- توسعه سازوکارهای کار گروهی و بهبود دسترسی به خدمات دولتی و ...، و

د- فراهم‌سازی زمینه کار گروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت تولید محلی

(Everendilek and Ertekin, 2002).

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه¹ هدف از ارائه اعتبارات خرد به روستاییان را فقرزدایی، ایجاد اشتغال، درآمدزایی، توسعه اجتماعی، ترویج و آموزش کشاورزی، افزایش خوداتکایی و حفظ عزت نفس روستاییان می‌داند (ESCAP, 1994).

بر پایه پیشینه پژوهش‌های نواحی روستایی در حال توسعه نیز اعطای تسهیلات اعتباری

تثبیت جمعیت و ماندگاری خانوارهای روستایی را در پی داشته است. نتایج مطالعه بروهن و لائو

1. United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (UN ESCAP)

(Bruhn and Love, 2009) نشان می‌دهد که در مکزیک، با اعطای تسهیلات بانکی موجب اشتغال‌زایی و افزایش شاغلان روستایی به میزان ۱/۴ درصد شده است. بر اساس نتایج پژوهش فاسورانتی (Fasoranti, 2010)، اعطای اعتبارات روستایی در نیجریه موجبات افزایش استانداردهای زندگی روستایی و در پی آن، کاهش فقر و نیز ترغیب افراد به فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی را فراهم ساخته که به‌طور غیرمستقیم، ماندگاری جمعیت روستایی را در پی داشته است. بر اساس نتایج پژوهش‌ها در هند نیز ایجاد گروه‌های خودیار در برنامه‌های اعتبارات خرد از طریق بنگاه‌های اقتصاد خانوار روستایی زنان زمینه‌پایداری و ماندگاری جمعیت در روستاهای محروم را فراهم کرده است (Satiabama, 2010).

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری جمعیت روستایی



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، با بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی، توصیفی-تحلیلی است. از سوی دیگر، ساختار مقایسه‌ای یافته‌ها به گونه‌ای بر تعمیم‌پذیری نتایج می‌افزاید. جامعه آماری پژوهش ۶۷ سکونتگاه روستایی ناحیه کاشان است. حجم نمونه پژوهش با روش نمونه‌گیری کوکران (Hafeznia, 1998) از میان ۴۵۷۳۷ نفر روستاییان ساکن در روستاهای ناحیه کاشان، تعداد ۵۷۴ نفر نمونه آماری با بهره‌گیری از روش سهمی میزان جمعیت هر کدام از سکونتگاه‌های روستایی این ناحیه انتخاب شدند. همچنین،

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

برای تعیین روایی پرسشنامه، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و معرف‌های پرسشنامه پژوهش نیز از روش اعتبار محتوایی استفاده شد (Hooman, 1997). تعیین پایایی پرسشنامه، نیز از طریق پیش‌آزمون انجام شد. نتایج بررسی‌های آماری حاکی از آن است که ضریب آلفای کرونباخ (Saroukhani, 2003) برابر با ۰/۸۱۵ بوده، که نشانگر اعتبار قابل قبول پرسشنامه طراحی شده است.

در طرح‌ریزی پژوهش حاضر، به منظور تدقیق نتایج آماری، متغیر مستقل اول «اعتبارات کشاورزی» است که در دو سطح دریافت اعتبارات و عدم دریافت اعتبارات مطرح می‌شود. متغیر مستقل دوم «سطح توسعه روستایی» است که در چهار بعد (بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی، و افزایش فرصت‌های اشتغال) مطرح می‌شود؛ در نهایت، اثربخشی و تأثیر این عوامل در متغیر وابسته «ماندگاری جمعیت روستایی» مطرح می‌شود. برای سنجش هر کدام از این ابعاد، گویه‌های مختلف در یک طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی شدند.

به منظور دستیابی به اهداف تحقیق، با استفاده از آمار توصیفی، بررسی متغیرهای مستقل و وابسته صورت گرفت. برای بررسی تأثیر متغیر مستقل اعتبارات کشاورزی بر متغیرهای توسعه روستایی یادشده، از آزمون تی (t) دو گروه مستقل استفاده شد. همچنین، برای بررسی تأثیر متغیر مستقل اعتبارات و توسعه روستایی (بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال) بر متغیر وابسته (ماندگاری جمعیت روستایی)، از آزمون واریانس دوطرفه استفاده شد. تمام تحلیل‌های آماری به کمک نرم‌افزار Amos, SPSS و Graphics20 و آزمون‌های ویلکا کسون، تی تک‌نمونه‌ای، پیرسون و مدل معادلات ساختاری انجام شده است.

ناحیه کاشان، از لحاظ تقسیمات سیاسی شامل بخش‌هایی از دو شهرستان «کاشان» و «آران و بیدگل» بوده و بر این اساس، محدوده مورد مطالعه در بردارنده شش بخش، یازده دهستان، ۶۷ روستا و یازده شهر است.

جدول ۲- تقسیمات سیاسی ناحیه کاشان

شهرستان	بخش	مرکز بخش	دهستان	شهر
	مرکزی	کاشان	میاندهشت کوهپایه	کاشان، مشکات
کاشان	نیاسر	نیاسر	خرمدشت نیاسر کوهدهشت	نیاسر
	برزک	برزک	باباافضل گلاب	برزک
	قمصر	قمصر	قهرود	قمصر، جوشقان قالی، کامو
	مرکزی	آران و	سفیددشت	آران و بیدگل، نوش آباد، سفیدشهر
آران و بیدگل	کویرات	ابوریدآباد	کویرات کویر	ابوزیدآباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج و بحث

با توجه به نتایج به‌دست آمده درباره ویژگی‌های نمونه مورد بررسی، ۵۲۹ نفر از پاسخ‌گویان را مردان و ۴۵ نفر را زنان تشکیل می‌دهند؛ سن ۸۲ نفر بین ۲۵-۱۸ سال، ۷۵ نفر بین ۳۵-۲۶ سال، ۱۴۲ نفر بین ۴۵-۳۶ سال و حدود ۲۷۵ نفر بیش از ۴۶ سال است؛ حدود ۴۹۹ نفر متأهل و ۷۵ نفر مجردند؛ ۲۰۶ نفر بی‌سوادند، ۱۹۴ نفر تحصیلات ابتدایی، ۱۲۸ نفر متوسطه، و ۴۶ نفر تحصیلات عالی دارند؛ شغل ۳۸۷ نفر کشاورز و ۵۹ نفر کارمند است، ۹۳ نفر در بخش آزاد فعالیت دارند و ۳۵ نفر محصل‌اند. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نسبت به تأثیر اعتبارات کشاورزی در ۳۲ گویه به تفکیک دریافت و عدم دریافت اعتبارات در جدول ۳ آمده است.

برای اطمینان از معنی‌داری تفاوت‌های مشاهده‌شده در زمینه‌های بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال بین افراد دریافت‌کننده اعتبارات کشاورزی و افرادی که اعتبارات کشاورزی دریافت نکرده‌اند، از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شده، که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

جدول ۳- آزمون برابری میانگین‌ها به تفکیک ۳۲ گویه تحقیق

معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	میانگین		ابعاد
			عدم دریافت اعتبارات	دریافت اعتبارات	
۰/۰۰۵	۵۷۲	-۲/۷۹۴	۲/۹۷	۲/۶۹	توانایی مالی برای توسعه کشاورزی
۰/۰۲۶	۵۷۲	۲/۲۳۹	۲/۰۴	۲/۲۸	اجاره و خرید ماشین‌آلات کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۸/۰۷۲	۱/۸۱	۲/۴۹	یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده زراعی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۷/۳۳۵	۱/۸۵	۲/۴۸	ایجاد اشتغال زراعی برای اعضای خانواده
۰/۰۰۰	۵۷۲	۷/۳۳۴	۱/۸۷	۲/۴۷	خرید آب کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۴۳۲	۱/۶۹	۲/۴۳	خرید زمین کشاورزی
۰/۰۰۲	۵۷۲	۳/۱۴۷	۲/۳۷	۲/۸۱	خرید نهاده‌های کشاورزی (انواع کودها، بذر)
۰/۰۰۰	۵۷۲	۶/۱۸۹	۲	۲/۵۴	خرید ابزارآلات کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۶/۵۰۳	۲/۰۱	۲/۵۷	تأمین هزینه‌های آماده‌سازی زمین (تسطیح)
۰/۰۰۰	۵۷۲	۷/۱۴۳	۱/۷۰	۲/۳۱	استفاده از روش‌های نوین آبیاری
۰/۰۰۰	۵۷۲	۲/۴۳۵	۲/۱۴	۲/۵۴	پیش‌فروش نکردن زود هنگام محصولات
۰/۰۱۳	۵۷۲	۲/۴۹۳	۲/۰۹	۲/۷۱	تغییر شیوه کشت از دیم به آبی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۳/۷۳۲	۲/۰۴	۲/۶۴	کاهش تنوع محصولات آبی
۰/۰۰۲	۵۷۲	۳/۰۶۶	۲/۶۴	۲/۸۹	رضایت از کیفیت محصولات خود
۰/۰۰۰	۵۷۲	۴/۹۲۳	۲/۲۲	۲/۶۴	رضایت از درآمد خود
۰/۰۰۱	۵۷۲	۳/۳۱۹	۲/۵۷	۲/۸۵	رضایت از شغل خود
۰/۰۰۰	۵۷۲	۴/۹۳۰	۲/۳۷	۲/۸۹	رضایت از نهاده‌ها و وسایل کشاورزی خود
۰/۹۰۷	۵۷۲	۰/۱۱۷	۳/۲۰	۲/۲۲	رضایت از زندگی در روستا
۰/۰۰۰	۵۷۲	۳/۷۷۵	۳/۰۸	۳/۴۴	تمایل سرپرست خانواده به ماندگاری در روستا
۰/۰۴۸	۵۷۲	۱/۹۸۴	۲/۹۷	۳/۲۱	تمایل همسر سرپرست خانواده به ماندگاری در روستا
۰/۰۴۹	۵۷۲	۱/۹۷۵	۲/۳۰	۲/۶۵	تمایل فرزندان خانواده به ماندگاری در روستا
۰/۰۰۰	۵۷۲	۷/۰۴۸	۱/۸۹	۲/۵۱	ایجاد اشتغال غیرزراعی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۴/۰۳۸	۲/۳۲	۲/۶۵	حفظ شغل کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۸۳۵	۱/۸۴	۲/۳۲	شکل‌دهی هندسی اراضی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۳/۸۹۲	۲/۰۶	۲/۴۹	استفاده بهینه از نهاده‌ها (با نظر مروجان)
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۸۷۷	۲/۰۷	۲/۵۴	استفاده بهینه از ابزارآلات کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۸۷۷	۲	۲/۶۴	افزایش درآمد مستقیم از فعالیت کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۵۱۷	۱/۸۰	۲/۵۰	افزایش درآمد غیرزراعی (دامداری)
۰/۰۰۱	۵۷۲	۳/۴۴۲	۱/۸۹	۲/۴۶	پس‌انداز خانواده
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۳۸۰	۱/۸۷	۲/۲۹	تنوع‌بخشی به درآمدهای خانواده
۰/۰۰۰	۵۷۲	۵/۶۴۶	۱/۹۰	۲/۳۸	گرایش به محصولات تجاری (نه نقدی)
۰/۰۰۰	۵۳۲	۵/۱۶۴	۲/۰۵	۲/۵۱	استفاده از بیمه محصولات کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین‌های اعطای اعتبارات

معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	تست لون		میانگین		ابعاد
			معنی‌داری	مقدار F محاسبه شده	دریافت اعتبارات	عدم دریافت اعتبارات	
/۰۰۵	۵۷۲	۲/۸۰۸	/۰۰۲	۹/۸۰	۱/۷۲	۱/۸۳	بهبود کشاورزی
/۰۰۰	۵۷۲	۴/۰۴۴	/۰۱۷	۵/۶۸	۱/۵۰	۱/۶۹	افزایش رضایت‌مندی
/۰۰۰	۵۷۲	۸/۸۶۷	/۰۰۰	۲۳۷	۱/۱۱	۱/۴۶	بهبود وضعیت اقتصادی
/۰۰۰	۵۷۲	۷/۲۷۲	/۰۰۰	۵۷/۹۶	۱/۷۴	۲/۳۱	افزایش فرصت‌های اشتغال

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها (جدول ۴)، میانگین بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال برای روستاییان دریافت‌کننده اعتبارات کشاورزی، به ترتیب، ۱/۸۳، ۱/۶۹، ۱/۴۶ و ۲/۳۱ و برای روستاییانی که اعتبارات کشاورزی دریافت نکرده‌اند، به ترتیب، ۱/۷۲، ۱/۵۰، ۱/۱۱ و ۱/۷۴ است. از این‌رو، تفاوت میانگین‌ها در بین دو گروه به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان گفت که دریافت اعتبارات در بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان مؤثر بوده و به‌ویژه در بعد اشتغال، نقش آن در زمینه‌سازی برای ایجاد تحول در میان سایر ابعاد کاملاً آشکار است.

بدین ترتیب، برای پاسخ‌گویی به پرسش رابطه اعتبارات و بهبود کشاورزی با ماندگاری در روستا و به تعبیری، رابطه اعتبارات و بهبود کشاورزی با مهاجرت‌های روستایی و در واقع، برای آزمون فرضیه اول مبنی بر «وجود رابطه بین اعتبارات و بهبود کشاورزی با مهاجرت»، از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده و اعتبارات و بهبود کشاورزی بر حسب میانگین مهاجرت همراه با مقدار F محاسبه شده است. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، اثر اصلی متغیر اعتبارات (Sig. = ۰/۸۲۶ و F = ۰/۴۸) بر نمره مهاجرت معنی‌دار نیست؛ یعنی، به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین روستاییان دریافت‌کننده اعتبار با روستاییانی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند، متفاوت نیست. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر بهبود کشاورزی (Sig. = ۰/۳۷۴ و

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

$F=1/063$ بر نمره مهاجرت معنی دار نیست؛ یعنی، به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین سطوح مختلف بهبود کشاورزی تفاوتی ندارد. اعتبارات و بهبود کشاورزی نیز دارای اثری متقابل اند؛ یعنی، به لحاظ آماری، تعامل بین اعتبارات و بهبود کشاورزی و تأثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر مهاجرت معنی دار نیست ($\text{Sig.}=0/440$ و $F=0/822$). به دیگر سخن، میانگین نمره مهاجرت با تخصیص اعتبار با سطوح مختلف بهبود کشاورزی متفاوت نیست. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که اعتبارات پرداختی به روستاییان در ماندگاری آنها تأثیری نداشته و بهبود کشاورزی نیز در ماندگاری روستاییان مؤثر نبوده است. در نهایت، اثر متقابل این دو متغیر (اعتبارات و بهبود کشاورزی روستاییان) نیز در ماندگاری جمعیت روستایی تأثیر نداشته و از این رو، هدف دولت مبنی بر «بهبود کشاورزی و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی در روستا از طریق پرداخت اعتبارات کشاورزی» محقق نشده است.

جدول ۵- تحلیل واریانس دو طرفه «اعتبارات» و «بهبود کشاورزی» با «مهاجرت»

اعتبارات	میانگین مهاجرت	تعداد	بهبود کشاورزی	میانگین مهاجرت	تعداد
دریافت اعتبار	۱/۳۴	۲۸۷	خیلی کم	۱/۲۵	۱۳۶
			کم	۱/۳۲	۴۳۰
			متوسط	۱/۴۰	۵
عدم دریافت اعتبار	۱/۲۷	۲۸۷	زیاد	۱/۵۰	۲
			خیلی زیاد	۲	۱
منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معنی داری	
اثر اعتبارات	۱	۰/۰۱۳	۰/۴۸	۰/۸۲۶	
اثر بهبود کشاورزی	۴	۰/۲۸۲	۱/۰۶۳	۰/۳۷۴	
اثر متقابل اعتبارات و بهبود کشاورزی	۲	۰/۲۱۸	۰/۸۲۲	۰/۴۴۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای آزمون پرسش و فرضیه دوم مبنی بر «وجود رابطه بین اعتبارات و رضایت مندی با مهاجرت» نیز از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده و اعتبارات و رضایت مندی بر حسب میانگین مهاجرت همراه با مقدار F محاسبه شده است. چنان که در جدول ۶ مشاهده می شود، اثر اصلی متغیر اعتبارات ($\text{Sig.}=0/282$ و $F=1/158$) بر نمره مهاجرت معنی دار نیست؛ یعنی، به

لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین روستاییان دریافت کننده اعتبار با روستاییانی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند، متفاوت نیست. از طرف دیگر، اثر متغیر اصلی رضایت‌مندی (Sig. = ۰/۰۰۲ و $F = ۴/۳۷۹$) بر نمره مهاجرت معنی دار است؛ یعنی، به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین سطوح مختلف رضایت‌مندی تفاوت دارد، که بیانگر تأثیر گذاری سطح رضایت‌مندی روستاییان بر میزان مهاجرت آنهاست. اعتبارات و رضایت‌مندی نیز دارای اثری متقابل اند؛ یعنی، به لحاظ آماری، تعامل بین اعتبارات و رضایت‌مندی و تأثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر مهاجرت معنی دار نیست (Sig. = ۰/۶۱۷ و $F = ۰/۴۸۳$)؛ به دیگر سخن، میانگین نمره مهاجرت با تخصیص اعتبار با سطوح مختلف رضایت‌مندی متفاوت نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اعتبارات پرداختی به روستاییان در ماندگاری آنها تأثیری نداشته، اما رضایت‌مندی روستاییان در ماندگاری آنها مؤثر بوده است. در نهایت، اثر متقابل این دو متغیر (اعتبارات و رضایت‌مندی روستاییان) نیز در ماندگاری آنها تأثیر نداشته و از این رو، هدف دولت مبنی بر «رضایت‌مندی روستاییان و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی در روستا از طریق پرداخت اعتبارات کشاورزی» محقق نشده است.

جدول ۶- تحلیل واریانس دوطرفه «اعتبارات» و «افزایش رضایت‌مندی» با «مهاجرت»

اعتبارات	میانگین مهاجرت	تعداد	رضایت‌مندی	میانگین مهاجرت	تعداد
دریافت اعتبار	۱/۳۴	۲۸۷	خیلی کم	۱/۲۱	۲۴۸
			کم	۱/۳۷	۳۱۲
			متوسط	۱/۸۲	۱۱
عدم دریافت اعتبار	۱/۲۷	۲۸۷	زیاد	۱	۱
			خیلی زیاد	۱	۲
منع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معنی داری	
اثر اعتبارات	۱	۰/۲۹۷	۱/۱۵۸	۰/۲۸۲	
اثر افزایش رضایت‌مندی	۴	۱/۱۲۲	۴/۳۷۹	۰/۰۰۲	
اثر متقابل اعتبارات و افزایش رضایت‌مندی	۲	۰/۱۲۴	۰/۴۸۳	۰/۶۱۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

همچنین، برای آزمون فرضیه سوم مبنی بر «وجود رابطه بین اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی با مهاجرت»، با استفاده از تحلیل واریانس دوطرفه، اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی بر حسب میانگین مهاجرت همراه با مقدار F محاسبه شده است (جدول ۷).

جدول ۷- تحلیل واریانس دوطرفه «اعتبارات» و «بهبود وضعیت اقتصادی» با «مهاجرت»

اعتبارات	میانگین مهاجرت	تعداد	بهبود وضعیت اقتصادی	میانگین مهاجرت	تعداد
دریافت اعتبار	۱/۳۴	۲۸۷	خیلی کم	۱/۲۶	۴۲۰
			کم	۱/۴۱	۱۴۵
			متوسط	۱/۵۷	۷
عدم دریافت اعتبار	۱/۲۷	۲۸۷	زیاد	۱	۱
			خیلی زیاد	۲	۱
منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معنی داری	
اثر اعتبارات	۱	۰/۳۶۷	۱/۴۰۲	۰/۲۳۷	
اثر بهبود وضعیت اقتصادی	۴	۰/۵۸۲	۲/۲۲۶	۰/۰۶۵	
اثر متقابل اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی	۲	۰/۲۰۵	۰/۷۸۴	۰/۴۵۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، اثر اصلی متغیر اعتبارات ($Sig. = 0/237$) و $F = 1/402$) بر نمره مهاجرت معنی‌دار نیست؛ یعنی، به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین روستاییان دریافت‌کننده اعتبار با روستاییانی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند، متفاوت نیست. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر بهبود وضعیت اقتصادی ($Sig. = 0/065$ و $F = 2/226$) بر نمره مهاجرت معنی‌دار نیست؛ یعنی، به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین سطوح مختلف بهبود وضعیت اقتصادی تفاوتی ندارد. اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی نیز دارای اثری متقابل‌اند؛ یعنی، به لحاظ آماری، تعامل بین اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی و تأثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر مهاجرت معنی‌دار نیست ($Sig. = 0/457$ و $F = 0/874$)؛ به دیگر سخن، میانگین نمره مهاجرت با تخصیص اعتبار با سطوح مختلف بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان متفاوت نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اعتبارات پرداختی به روستاییان در ماندگاری آنها

تأثیری نداشته و بهبود وضعیت اقتصادی نیز در ماندگاری روستاییان مؤثر نبوده است. در نهایت، اثر متقابل این دو متغیر (اعتبارات و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان) نیز در ماندگاری آنها تأثیر نداشته و از این رو، هدف دولت مبنی بر «بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی در روستا از طریق پرداخت اعتبارات کشاورزی» محقق نشده است.

سرانجام، برای آزمون چهارم مبنی بر «وجود رابطه بین اعتبارات و افزایش فرصت‌های اشتغال با مهاجرت» نیز با استفاده از تحلیل واریانس دوطرفه، اعتبارات و افزایش فرصت‌های اشتغال بر حسب میانگین مهاجرت همراه با مقدار F شده است (جدول ۸).

جدول ۸- تحلیل واریانس دوطرفه «اعتبارات» و «افزایش فرصت‌های اشتغال» با «مهاجرت»

اعتبارات	میانگین مهاجرت	تعداد	افزایش فرصت‌های اشتغال	میانگین مهاجرت	تعداد
دریافت اعتبار	۱/۳۴	۲۸۷	خیلی کم	۱/۲۲	۱۹۶
			کم	۱/۳۳	۲۳۳
			متوسط	۱/۲۹	۸۵
عدم دریافت اعتبار	۱/۲۷	۲۸۷	زیاد	۱/۴۸	۵۲
			خیلی زیاد	۱/۸۸	۸
منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	F مقدار	معنی داری	
اثر اعتبارات	۱	۰/۰۱۸	۰/۰۷۱	۰/۷۹۰	
اثر افزایش فرصت‌های اشتغال	۴	۰/۹۳۰	۳/۵۹۳	۰/۰۰۷	
اثر متقابل اعتبارات و افزایش فرصت‌های اشتغال	۴	۰/۰۴۱	۰/۱۵۹	۰/۹۵۹	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول ۸، اثر اصلی متغیر اعتبارات ($F = ۰/۷۹۰$ و $Sig. = ۰/۷۹۰$) بر نمره مهاجرت معنی‌دار نیست و به لحاظ آماری، میانگین مهاجرت در بین روستاییان دریافت‌کننده اعتبار با روستاییانی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند، متفاوت نیست. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر افزایش فرصت‌های اشتغال ($F = ۳/۵۹۳$ و $Sig. = ۰/۰۰۷$) بر نمره مهاجرت معنی‌دار نیست و به لحاظ آماری، بین افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان و مهاجرت آنها تفاوتی وجود

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

ندارد و افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان مانع از مهاجرت آنها نمی‌شود. اعتبارات و افزایش فرصت‌های اشتغال نیز دارای اثری متقابل‌اند و به لحاظ آماری، تعامل بین این دو متغیر مستقل و تأثیر همزمان آنها بر متغیر مهاجرت معنی‌دار نیست ($F = 0/159$ و $Sig. = 0/959$). در واقع، میانگین نمره مهاجرت با تخصیص اعتبار با سطوح مختلف افزایش فرصت‌های اشتغال متفاوت نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اعتبارات پرداختی به روستاییان در ماندگاری آنها تأثیر نداشته و بهبود اشتغال نیز در ماندگاری روستاییان مؤثر نبوده است. در نهایت، اثر متقابل این دو متغیر (اعتبارات و افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان) نیز در ماندگاری آنها تأثیری نداشته و از این رو، هدف دولت مبنی بر «افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی در روستا از طریق پرداخت اعتبارات کشاورزی» محقق نشده است.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهشی فاسورانتی (Fasoranti, 2010)، ساتیاباما (Satiabama, 2010) و پژوهشگران ایرانی در بسیاری از موارد همسو نیست، زیرا در این پژوهش‌ها اعتبارات کشاورزی در بهبود اشتغال و درآمدزایی خانوارهای روستایی مؤثر بوده و در نتیجه، بر میزان ماندگاری و تثبیت جمعیت روستایی به صورت نسبی تأثیر داشته است، در حالی که در پژوهش حاضر، با توجه به شرایط محیطی - بوم‌شناختی و برخی خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و توزیع مکانی سکونتگاه‌های روستایی و همچنین، به لحاظ نحوه عملکرد سیاست‌گذاری نظام اعتباری، توزیع و عملکرد اعتبارات نقش کمتری در نظام تثبیت جمعیتی و ماندگاری جمعیت روستایی داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بهبود تولید محصولات کشاورزی و شرایط زندگی جمعیت روستایی به گونه‌ای گسترده به انتقال از کشاورزی سنتی به یک کشاورزی پیشرفته بستگی دارد، که مستلزم داشتن سرمایه است. این سرمایه می‌تواند از راه‌هایی چون سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها و اعطای اعتبار به

کشاورزان تأمین شود. دستیابی به اعتبارات کشاورزی پیامدهایی مستقیم در زمینه‌های بهبود کشاورزی، رضایت‌مندی، وضعیت اقتصادی و عملکرد شغلی روستاییان دارد. بخش کشاورزی در ایران، با وجود بهره‌مندی از توان‌های مناسب، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، به شدت گرفتار کمبود سرمایه است. اعتبارات رسمی کشاورزی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین سرمایه مورد نیاز بهره‌برداران بخش کشاورزی به‌شمار می‌آید. از جمله معضلات جامعه روستایی که به‌صراحت در برنامه‌های توسعه مشخص شده، تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی و عدم تثبیت جمعیت روستایی است. با توجه به صراحت برنامه‌ها در این راستا، انتظار می‌رود که حاصل اقدامات دولت در اعطای اعتبارات کشاورزی تثبیت جمعیت روستایی باشد. خشکسالی‌های اخیر ناحیه کاشان، در کنار دیگر انگیزه‌های گریز از روستا، ضمن تخریب روستاها، باعث تشدید مهاجرت‌ها شده است. گذشته از اینها، برخی تحولات در زمینه اشتغال-زایی و رفع محرومیت و همچنین، تحولاتی در زمینه استفاده از اعتبارات کشاورزی در سطح ناحیه به‌چشم می‌خورد. وجود دو کارکرد متضاد یکی در راستای تثبیت جمعیت و دیگری در راستای مهاجرت جمعیت روستاهای ناحیه، ضرورت مطالعه نقش این اعتبارات در بهبود کشاورزی، رضایت‌مندی، وضعیت اقتصادی و عملکرد شغلی و ماندگاری جمعیت روستایی را آشکار می‌سازد.

مروری بر یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌ها در بین دو گروه (روستاییان دریافت‌کننده اعتبارات کشاورزی و روستاییانی که اعتبارات کشاورزی دریافت نکرده‌اند) معنی‌دار است و بنابراین، می‌توان گفت که دریافت اعتبارات در بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال روستاییان مؤثر است. همچنین، نتایج مطالعات میدانی نشان می‌دهد که تعامل بین «اعتبارات» و «بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال» و تأثیر هم‌زمان این دو نوع متغیر مستقل بر متغیر مهاجرت معنی‌دار نیست. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که میان اعطای اعتبارات و حفظ جمعیت روستایی ارتباط معنی‌دار وجود ندارد؛ و به

نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری.....

دیگر سخن، ارتباطی ضعیف میان نگهداشت جمعیت و اعطای اعتبارات کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان حاکم است. از این رو، می‌توان گفت که اهداف دولت از پرداخت اعتبارات کشاورزی مبنی بر بهبود کشاورزی، افزایش رضایت‌مندی، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش فرصت‌های اشتغال و در نهایت، ماندگاری جمعیت روستایی در روستا محقق نشده است.

سرانجام، برای اثربخشی اعتبارات کشاورزی در نگهداشت جمعیت سکونتگاه‌های روستایی، پیشنهادهایی بدین شرح ارائه می‌شود:

- پیگیری سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی به‌ویژه با رویکرد جوامع روستایی و متمرکز بر توانمندسازی و تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی از طریق گردش و ماندگاری سرمایه در سکونتگاه‌های روستایی؛
- اتخاذ سیاست‌های اعتباری در نظام برنامه‌ریزی کشور متمرکز بر اصلاح در سیاست رسمی نظام بانکی و ایجاد سازوکارهای اعتباری محلی و منطقه‌ای با مشارکت کشاورزان و روستائینان؛
- تغییر رویه پرداخت اعتبارات روستایی از حالت فردی به گروهی؛
- کاهش نرخ سود وام‌های یادشده، به‌منظور کاستن از فشار مالی و روانی بر کشاورز در دوره بازپرداخت وام، با توجه به هزینه‌های بالا و سوددهی اندک کشاورزی؛
- اعمال نظارت‌های دقیق‌تر، واقعی‌تر و بیشتر از سوی کارشناسان بانک بر نحوه استفاده از تسهیلات دریافتی روستائیان، به‌دلیل تأثیر بسیار مثبت نظارت‌های پس از اعطای وام کشاورزی بر هدایت این گونه وام‌ها به مسیر تولید؛ و
- ایجاد بستر و فضای مطمئن برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، به‌گونه‌ای که «علاقه و انگیزه شغلی» زمینه‌ساز اقدام به تخصیص اعتبارات به کار تولیدی باشد و نه اجبار قانون و ناظران.

منابع

1. Afrashteh, H. (2003). Credit policy in agriculture. Proceedings of the Agricultural Finance Conference, Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian)
2. Amid, J. (2002). Agriculture, poverty and land reform in Iran. Translated by R.A. Nejad. Tehran: Nashr-e-Ney. (Persian)
3. Amirteimouri, S. and Khalilian, S. (2008). Investigating the factors affecting the productivity of capital stock in Iran's agricultural sector. *Agricultural Economics and Development*, 61: 57-77. (Persian)
4. Bahrami Mahneh, F., Soltani, S. and Alishahi, M. (2007). Study of investment status in the agricultural sector of Iran and its ways to increase. Paper Presented at the Sixth Iranian Conference on Agricultural Economics, Ferdowsi University of Mashhad. (Persian)
5. Bakhtiari, P. and Pasban, F. (2004). The role of bank credits in the development of job opportunities, case: Bank Keshavarzi (Iranian Agricultural Bank). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 46: 77-106. (Persian)
6. Bruhn, M. and Love, I. (2009). The economic impact of banking the unbanked: evidence from Mexico. Available at
7. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/4173>.
8. Douglas, P. (2003). Financial services for the rural poor. CGAP Donor Brief. Washington, DC.
9. Ertiaei, F., Chizari, M. and Jafari, M. (2011). Factors influencing the rural youth's participation in agricultural development (case study: Kermanshah County). *Rural Research*, 7: 55-74. (Persian)
10. ESCAP (1994). Jakarta plan of action on human resources development in the ESCAP region. New York: United Nations.
11. ESCAP (1996). Showing the way, methodologies for successful rural poverty alleviation projects. Bangkok, Thailand.
12. Everendilek, F. and Ertekin, C. (2002). Agricultural sustainability in Turkey; Interacting food, environmental and energy securities. *Land Degradation and Development*, 13(1): 61-67.
13. FAO. (2002). World food summit; five years later, 10-13 June, 2002. Available at
14. [http://www.fao.org/world food summit/English/newsroom/focus/him](http://www.fao.org/world%20food%20summit/English/newsroom/focus/him).
15. FAO/GTZ (1998a). Agricultural finance revisited: why? Available at www.fao.org/tc/easypol.
16. FAO/GTZ (1998b). Financial institutions. Available at www.fao.org.

17. Fasoranti, M.M. (2010). The influence of micro-credit on poverty alleviation among rural dwellers: a case study of Akoko, North West Local Government Area of Ondo State. *Journal of Business Management*, 4(8): 1438-1446.
18. GTZ (ed.) (2003). Guide to rural economic and enterprise development. Working Paper Edition 1.0, November 2003, Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit (GTZ), Eschborn, Germany, 138 pp.
19. Ghanbari, U. and Nouri, R. (2017). Evaluation of the impact of mortgage credit on relief of rescuing population in rural areas (case study of Khomein district). *Quarterly Journal of Economic Development*, 17(65). (Persian)
20. Hafeznia, M. (1998). Introduction to the research method in Humanities. Tehran: SAMT. (Persian)
21. Hooman, H. (1997). Recognition of the scientific method in Behavioral Sciences. Tehran: SAMT. (Persian)
22. Karami, A. (2000). The effect of credits on farmers' performance in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province. Master's Thesis of Agricultural Economics, Shiraz University, Shiraz. (Persian)
23. Karim-Koshteh, M., Akbari, A. and Hashemi, M. (2004). A survey on the distribution of agricultural credits and the characteristics of credit recipients in Sistan and Baluchestan province. *Agricultural Economics and Development*, 8: 89-112. (Persian)
24. Khander, S.R. (1998). Fighting poverty with microcredit, experience in Bangladesh. New York: Oxford University Press.
25. Kharqani, N. and Faliyat, V. (2011). Investigating the impact of micro-loans on employment. *Journal of Work and Society*, 14. (Persian)
26. Nasibian, S. and Khalaj, A. (2004). Effects of agricultural bank loans on agricultural variables. *Economic Journal*, 12: 37-56. (Persian)
27. Negin, V. (2005). The role of microfinance in its poverty pillar. *Social Security Quarterly Journal*, 7(2). (Persian)
28. Pourtaheri, M., Bakhshi, M., Rokneddin Eftekhari, A. and Rahimi Soureh, S. (2012). A pattern for the success of agricultural investment projects: application of Multi-Layer Perceptron Neural Network. *Rural Research*, 3(11): 59-88. (Persian)
29. Rahimi Soureh, S. and Mir, J. (2007). An investigation of informal resources of rural credit in Iran: a case study of Khorasan Razavi and West Azarbaijan provinces. *Agricultural Economics and Development*, 15(60): 23-44. (Persian)
30. Rashidi, D. and Mansouri, B. (2005). Small rural financial services, an essential step for poverty alleviation: providing support for rural

- microfinance services. Proceedings of the Microfinance Seminar on Rural Development and Poverty Reduction. (Persian)
31. Robinson, M. (2001). The microfinance revolution, sustainable finance for the poor. Washington DC: World Bank.
 32. Robinson, M. and Juan, B. (2001). Innovations in rural finance innovative products and adaptations for rural finance. Paper Presented at the Paving the Way forward for Rural Finance: an International Conference on Best Practices, Washington DC.
 33. Roht, J. (1997). The limits of micro credit as a rural development intervention. Manchester University.
 34. Rokneddin Eftekhari, A., Einali, J. and Sojasi Qidari, H. (2006). Evaluating the effects of bank micro-credit in agricultural development: a case study of gross root cooperatives in Khodabandeh County. *Agricultural Economics and Development*, 14(56): 45-76. (Persian)
 35. Sadr, K. (2003). Measuring the effect of credits on value added of agricultural sector. Proceedings of the Agricultural Finance Conference, Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian)
 36. Saeedi, A., Rokneddin Eftekhari, A. and Darabi, H. (2006). The role of government investment in rural population stabilization (case study: Kashan region). *Journal of Geographic Research*, 4: 53-71. (Persian)
 37. Saroukhani, B. (2003). Research method in Social Sciences. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (Persian)
 38. Satiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development. In Development of Political Science and Development Administration, Ganhighram Rural Institute. Dindigul District.
 39. Seibel, H.D. (2001). Rural finance for the poor, from unsustainable projects to sustainable institutions. IFAD.
 40. Statistical Center of Iran (1966-2016). Population and Housing Census. 1966, 1976, 1986, 1996, 2006, 2016. Tehran: Statistical Center of Iran. (Persian)
 41. Statistical Center of Iran (2010). Report on survey of labor force. Tehran: Statistical Center of Iran. (Persian)
 42. Swinnen, J.F.M. and Gow, H.R. (1999). Agricultural credit problems and policies during the transition to a market economy in Central and Eastern Europe. *Food Policy*, 4: 21-47.
 43. Taleb, M. and Anbari, M. (2009). Rural sociology. Tehran: Tehran University Press. (Persian)
 44. Taleb, M. and Najafi Asl, Z. (2007). The effect of microfinance on women's economic capabilities to be the head of household: a review on the results of

- Zaynab Plan in the villages of Bouein Zahra. *Village and Development*, 10(3): 1-26. (Persian)
45. Varmazyari, H., Kalantari, Kh. and Shabanali Fami, H. (2010). Analysis of factors affecting the use of agricultural banking facility (case study of Khoy County). *Rural Research*, 1(3): 83-108. (Persian)
46. World Bank (2007). World development report 2008: agriculture for development. Washington, DC: World Bank.

